

چشم شاهنشاهی ایران



این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره در تیر ماه برای تیر آذر جمعی در کربلا و همراه با آئین افتتاحیه میاید

شماره هفتاد و هشتم - یکشنبه دوم آبان ماه ۱۳۰۰

بزرگترین جشن تاریخ، بزرگترین واقعه آشنائی برای ملت ما و ملل جهان بود

آلبوم هر اسم جشن شاهنشاهی
این شماره اختصاص به چاپ بیانات شاهنشاه آریامهر در ضیافت تاریخ دارد. صفحات ۴ و ۵

عدالت و حقوق و قضا در ایران باستان

استقلال قضائی ملل تابعه شاهنشاهی ایران

یادبود های جشن شهید آریامهر
پیوندی از دیروز و امروز
هنر معماری ایران

● دومین قسمت مقاله آقای ستاور پروفسر کاضی بیرامون عدالت و حقوق و قضا در ایران باستان در این شماره به تشریح استقلال قضائی ملل تابعه شاهنشاهی ایران اختصاص دارد، این مقاله در شماره فردا بیابان میرسد.

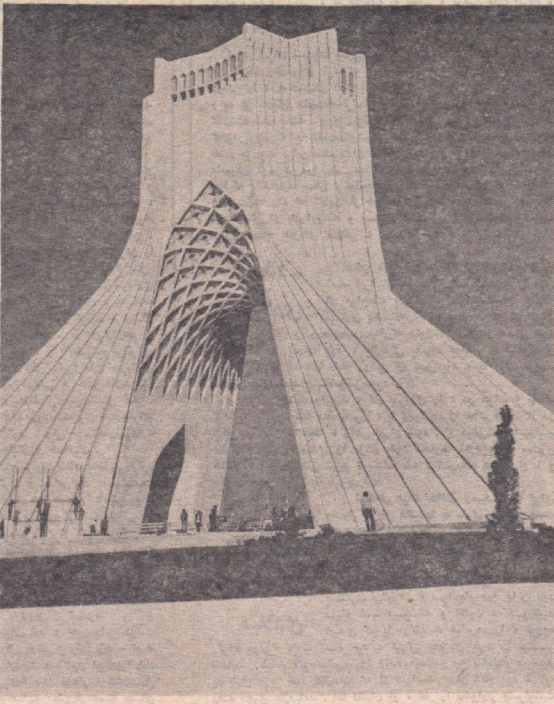
این مقاله را در صفحه سوم بخوانید

میزبانان جشن شاهنشاهی در ۵ کشور گروه دوم میهمانان جشن شاهنشاهی ایران

دومین گروه میهمانان جشن شاهنشاهی، ایران آمدن است. این میهمانان، خود، در کشورهای خوش، از شمار میزبانان جشن شاهنشاهی بودند. دبیران کمیته‌های برگزاری جشن شاهنشاهی، در کشورهای دوت، و روسای دانشگاه‌های کشورهای دوست که هر یک آشنائی عمیق به فرهنگ و تمدن ایران و احترام فراوان، به شخصیت و مقام علمی و فرهنگی شاهنشاه آریامهر، و علی‌احضرت شهبانوی ایران دارند، و نمایندگان، منتخب اتحادیه بین‌المللی معلمان، که انتخاب پانزده میلیون معلم دنیا پشت سر آنهاست، دومین گروه میهمانان، جشن شاهنشاهی را، تشکیل میدهند.

ملت ایران مقیم این میهمانان را، گرامی میدارد. و به آنان تعینت میگوید. ملت ما، ملت ما که این میهمانان را، در میان خود می‌بیند، و با میزبانان جشن شاهنشاهی، در بنیاد کشور جهان در کانون شاهنشاهی، به جشن می‌نشیند. میهمانان گروه دوم، یک مرحله به جشن و شادمانی شاهنشاهی ایران، نزدیکترند. و در محیطی از آنها استقبال میشود که ملت ایران، خود، کرم جشن دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی، است. این میهمانان، برای ما، پیام‌آوران جشن‌ها و بزرگداشت‌های جهان، از آئین شاهنشاهی هستند. و در سیما آنها، این جلوه و روشنی را میتوان دید.

بهر، برای ما، ماه روشنی است. و باهر، اکنون باستانهای آنان میرویم، باستانهای مایی که در آن، خورشید، میدرخشد و گروه دوم میهمانان، جشن شاهنشاهی، هنگامی به ایران آمدند که بهر، به آنان می‌پیوندد. و آنها تابش پرشکوه خورشید را در چهارم آبان، خواهند دید. و شاهد بقیه در صفحه ۴



بنای یادبود شهید آریامهر که با فکر و اندیشه یک مهندس جوان ایرانی به مناسبت جشن شکوهمند شاهنشاهی ایران سر بر افراشته ۲۵ متر ارتفاع دارد. این بنای عظیم که بعنوان مظهر و شانسنامه پایتخت در مدخل شهر قرار گرفته با کار شبانه روزی هزار مهندس و کارگر ایرانی و در مدت سی ماه ساخته شده است. شهیداداری چهار آسانسور است که با زدید کنندگان را بالای بنا میرسانند. بنای شهید که تلفیقی از هنر قدیم و جدید معماری ایران است دارای آرم تاق کسری و تاق اسلامی میباشد که علامت عظمت و شوکت قبل از اسلام و نشان فرهنگ و تمدن ایران در دوران بعد از اسلام میباشد روزنامه جشن شاهنشاهی در شماره های قبل، طی گفتگویی با طراح و مقالاتی چند، این بنا را بشکوه کامل معرفی کرده است. و جریان افتتاح آنرا نیز بموقع در آلبوم مخصوص جشن خواهیم آورد.

شهید آریامهر، این دروازه نور و روشنائی، قرن‌ها و قرن‌ها جاودانه خواهد ماند و یاد جشن شاهنشاهی ایران را بخاطر ها خواهد آورد، جشنی که سازندگانی اعجاب‌آور عصر آریامهر را با بازشناسی گذشته بر افشخار این سرزمین بیوند زده است

استقلال قضائی ملل تابعه شاهنشاهی ایران

استاد و پرویز کاظمی دبیر کل انجمن حقوقدانان ایران

در ایران «مأمورین پادشاه در رسیدگی به اختلافات بین رعایا بودند که بعد از زمان صفویه کلاسر و دیوانی بیکی خوانده شدند. به های حقوقی و جزائی سپاهیان، قضات محاسب و محامیان بنام «رصدی» رسیدگی میکردند. محاسب دعوی نیز میخواندند اختلافات خود را بوسیله داور قطع و فصل کنند ولی الطرای از طرز رسیدگی داور دست نیست.

زیر همان مذهبی زرتشتی نیز در امور مذهبی سمت دادسرا داشتند و حکایات متعددی راجع به محاکمات مذهبی در تواریخ موجود است. در زمان اردشیر بابکان بطور کلی محاکمات مذهبی دادگاههای عمومی برای رسیدگی باین اختلافات بودند ولی قضات این دادگاهها باین خصوصاً بعنوان دادرس صالح امر و حقوقی انتصاب بودند. معمولاً هیئت قضات لاقلمرک از دو دادرس بود که یکی از آنها موضوع را مطالعه و باصلاح رای صادر میکرد. پرونده را میداد و دیگری رای صادر میکرد.

آئین دادرسی - بقول «امین‌سراسر» ایرانیان فقط مردمان درست و صحیح و دانایا بقبضات میگماشتند و این مردمان برجسته در انشاء رای خود از حق الهام نمیگرفتند. آئین رسیدگی بمراجعات بود تسلیل معین شده بود و کسی که باید اول بیان دعوی کند و همچنین وظیفه قضائی و تکلیف صدور حکم در صورت غیبت مدعی علیه معلوم بود و چون حکم خطی فقط مدعی در جریان رسیدگی معین شده بود دعوت گروهان و مهلت استیفاء نیز معلوم بود و از تطویل محاکمه بذاکرات نیز مفید رای رسیدگی بدعوی جلوگیری میشد. رسیدگی قضائی مانند امروز سه مرحله داشت که با موتق بود از طرف قابل اجراء. دستور دادن تصمیمات از طرف دیگر که تصویب رای صادر ممکن بود توسط قضائی محکم بعمل آید و حتی شکایت به پادشاه از قضات و فتح احکام برعکس میسر بود و اگر احکام اجراء نمیشد ممکن بود پادشاه مظلوم شود.

با گرامی جشنها گذاشته اند نیز ازین شمارند. وما، مقلثمان بر کانون میادیم، اینان، ه سهند که همچون گروه نخستین میوانند از کانون سرچشمه فروغ این شاهنشاهی ایران زمین، مثل های تازه برافروزند و باخوشی بفرزین های خود ارهان برند.

ما، به گروه دوم مهربانان جشن شاهنشاهی خیرقدم میگوئیم، و با آنها درون میفرستیم.

دیگران است که خویش را می شناسد و از تایش خود، راز حسی زنده بودن خویش را لمس میکند. او درمی یابد که در مدار هستی خود، از آن روز پادشاهان آهورای بزرگ به استواری و درستی، مقام یافته است که از درون مایه های خود، از نوحه خود، از همی خود توان زیست را در بگردد و دیگر موجودات را، از اجزای و پانی و حیوانی، در سیر بودن، راهبر خود از اینکه دیگران زندگی را آرج می دهند، او هم درخود علیه زنده بودن کند، او در سر تاریخ، رسالتی نظیر با پذیرفتن، رسالتی که در هر عصر، می تواند، بیا به آرزو در چه می کند یافت. و خویش در کسوت انسانا هم، گاه، رخ نمایاند. انسانهایی که خود، خویش در کسوت انسانا و جلوی ای شکوه آهورائی، و منطوری از روشنی، و انسانها، گاه، خود، خویشند. انسانهایی، و خویشدگی که حتی خود را، از فلسفه وجود خود، در سرنگاری نماند انسانها، می شناسد و از هر دوری که عوارض به تلاش انسانی تن میزند و میگردد تا جامه ای روشن و نواری از آرزو بر تن بپوشد و آرزوهای انسانی خود بپوشد و رسالت طیبی را، که در راه دستگاری مردمان، و راهبری آنان به سرزمینهای نور و آزمتی، بدوش گرفته اند، با نهایت استواری و امانت بپوشانند. ایشان خود، خویشند. در مداری جاودانه، با پایش بر خاستند و اگر چه انسان، قانون بزرگ طبیعت را پذیرا شد است و از بیاد خاک به سرزمین خود و جاودانگی، کوش می کند، اما ایشان به آرزو آنگردانند که روی از جهان برتابند. چرا که قانونی را که برافروختند و عوارض به نوازشانی خواهد بخشند. و این قانونی است که از نور خویشند، حتی و توان نوازشانی میگردد و اماند که حتی، در کار گرش بر محور جاودانگی است. قانون روشن ایشان، قانون استیفاء، و امانت ایستادن، و بنوازشانی خواهد بخشند. و ما بزرگان ایران، و فارسی، که خویشی با پایش بر سر تاریخ، برافروختند، و خویشی که درون مایه های آن نور است و دستگاری، و پیام آن بودن، کین مفهوم عدالت و برابری است. و ما همه در بر تو آن آرزوهای بودن برابری بودن و کلیت بودن از آرزوهای دست در دست هم گذاردن و بر تو خود خویشی که از آرزوهای آندیشه بر سر است بر آورد و همه نورانی برتابند، به بنیاد هادان جامعه ای مفتی، بر آورد و سر فراتر ستند. بنوازشانی باد خویش بر آردی شاه ایران.

حتی « پورانخت » ملکه ساسانی کمند کوتاهی بر سرزمین ایران فرمانرانی داشت در موقع سلطنت رسیدن خود اعلام عدالت سلطنت و حکومت بر مردم مقصور نیست مگر باعدالت و اداره صحیح کشور».

سازمان دادگستری در زمان ساسانیان اجرای عدالت در زمان ساسانیان از کار های اساسی پادشاه بود که بوسیله دادرسان که نماینده شخص پادشاه در این امر بودند اعمال میشد ولی چون پایه حقوق ساسانی بر اساس اصول مذهبی اوستایی قرار گرفته بود بر همین زرتشتی نقش مهمی در دادرسی داشتند و اختلافات بین افراد راجع ببقوق مدنی و حقوق مذهبی را قطع و فصل میکردند. پادشاه قدرت مطلق قطع و فصل اختلافات بین رعایا خود را داشت و او بود که حکم مجازات را هم در جزائی در باره مجرمین صادر میکرد. حدود قزائی و اختیار او در امر دادگستری بنهایت بود و مینه است نسبت بقوقی و جزائی، نظامی و مذهبی تصمصیح بگیرد ولی شخصاً کمتر بامور قضائی مداخله می نمود و این کار را بعهده مشاوران قضائی میسپرد و واکندار میکرد. کابوگاه در موقع عیاض (که در ایران قدیم فراوان و نشانه نشاط مردم برای زندگی بود) بویژه در جشن نوروز و مهرگان پادشاه همه رعایا و شاکیان را بسازمیداد و بنظلمات این شخصاً رسیدگی میکرد و باره اوقات نیز برای رسیدگی بامور مهم محاکم اختصاصی تشکیل میداد. بقول طبری مورخ معروف پادشاه هرگز در سفرهای خود بتابین خویش اجازه نمیداد که باموال و آذوقه رعایا دست بیاورد و وقت و عولوف مجانی از آن ها بخواهد و یکی از سران دستگاه خود را مأمور اجرای کامل این دستور کرده بود و مختلین را شدیداً مجازات میکرد « شهراور » و

شده بود. اردشیر بابکان موسی سلسله ساسانیان در خطابه بگزارائی خود از جمله سائز مطالب چنین گفت : « ما تمام کوشش خود را برای حفظ عدالت بکار خود برد و همه شرور را مشمول حمایت و عنایات ما خواهیم بود، ما به ملل کشورهای خود فراوانی نعمت داده و اموالی را که با جبر و زور از دست آنها گرفتیم هنده باز خواهیم داد حتی برندگان کمر آسمان کشور ما در روز ازل از امنیت کامل برخوردار گردند. عدالت بطور یکسان شامل توانا و ناتوان را برای کوچک و بزرگ خواهد بود. » و اضافه کرد « پادشاه باید عدالت را در همه اقطار خویش بگستراند زیرا عدالت سرچشمه تمام خوبیها و درکنار پدای برای حرسات بزرگ خواهد بود. حفظ نظم است چه بی عدالتی از علائم کز خرابی هر کشور است. در موقعی که اردشیر بابکان تاج و تخت را به پسرش شاپور اول واگذارد و بدو بپوشید نوشت : « تاج و تخت پادشاه به سه علت بخت مندر میگردد : نخست آنکه پادشاه دادگر باشد. دوم : اگر مردم خود را بکارهای منزه بگمارد. سوم آنکه هدف او جمع ملل باشد شادی بود باید بیط عدالت و شاعر تو بگشندی باشد چه بگشندی تو را محبوب خواهد کرد و دانش و عدالت ترا قرین افتخار خواهد ساخت. » طبق گفته یکی از سفرای یونان که بریدار ایران آمده بود اوتویروان عادل که هر هشت نایب اندروز را فرار کرده بود دستور ساختمان ایوان مدائن را داد و پیرزنی متزلزل باو گذارای خانه اش که طبق گفته قسطنطینی از ایوان بود از او اعراض می گشت نشد و بهین جهت ایوان مدائن نظمت ماند سفیر مزبور که ایسن وضع را دید و نظر آنرا دانست گفت که این کسی ایوان صدارت پوتر از راستی و نظم ایوانی است که از زور انجاء شده باشد.

آنها، هر روز بیشتر نیازمند میشد. و بیون دایر منکر، و دنیا بیکی که باز بچهای، در دست تکنولوژی تسخیر کرده است، فاسدلهای است که بین تکنولوژی، و عنصر مورد استاماده تکنولوژی وجود دارد. و ما، باین دنیا بیکی نیازمندیم، نیازی که آندیشه برای شناسائی دارد.

گروه دوم مهربانان جشن شاهنشاهی، که اکنون قلم

چگونگی تشکیلات قضائی و روش دادرسی در زمان هخامنشیان کاملاً روشن نیست در تورات در کتاب « استر » و هم چنین طبق نوشته های هرودوت مورخ معروف یهودائی اشاره به « هیئت دادرسان » شده است که عوارض نزد پادشاه بودند و چون آنان قوانین و نظامات قدیم را خوب میدانستند پادشاه همه کارها را با نظر آنان انجام میداد. قضات پادشاهی از بین پارسیها انتخاب میشدند و مادام العمر این سمت را داشتند مگر آنکه در انجاء نظایف خاصه خطائسی مرتکب شوند. این قضات مفسر قوانین و نظامات نیز بوده و تمام امور قضائی رسیدگی میکردند. ولی مورخین معتقدند که چون آنها مشاوران پادشاه بودند رای آنها در صورت تصویب پادشاه قابل اجراء بود نکته ای که در حقوق خصوصی ملل و اقوام تابع ایرانی باستان قابل توجه میباشد این است که ملل مسی با تابعیت پارسیها در میمانند تا سیاست قضائی سابق خود را حفظ میکنند و دادرسی و مداخلات آنها طبق قوانین خود آنها بود.

نکته دیگر قابل توجه طبق نوشته هرودوت مورخ معروف استانی که با زبانی نسبت به عیاضات و تصمیمات قضائی خیلی دقیق و شدید و قضائی که تصمیمات ناروا یا مغرضانه نمیگرفتند شدیداً مورد بازخواست و حتی کسری قرار می گرفتند. مجازات اعدام دربار کسی که اولین بار مرتکب قتل شده بود اجراء نمیشد و بتنبه شدید و بیرحمانه خطا کاران نسبت بپیردگان مجازات بود.

« زنداوستا » کتاب مذهبی زرتشتیان که قسمتی از آن برای ما مندرج است طبق دستور های مذهبی دین زرتشتی می باشد بلکه شامل قوانین راجع بچنانوهی، اموال، آیین دادرسی مدنی، روابط حقوقی بین افراد و تشکیلات محاکم است و چون هخامنشیان زنداوستا را می شناسند باید گفت که اساین تشکیلات مدنی و قضائی از زمان هخامنشیان گذشته

میزبانان جشن شاهنشاهی در ۵ کشور

قبه از صلحه ۵ کشور دو هزار و پانصد سال آئین شاهنشاهی، در روز چهارم آبان خواهند بود. شاهنشاهی ایران، درصدد اندهایش، و بعلمت ما، بچغان، اکنون بزرگترین گوهر را بپرتارک دارد. گوهری که روشنائی آن، محدود به مرزهای ایران نیست. و آذربایران، از فلات اندیشه پرور و حکمتزای ایران، پرتوان، سراسر جهان را روشن ساخته است.

آنها که جشن شکوهند آئین شاهنشاهی ایران را، در دو هزار و پانصدمین سال، در کشورهای خود برپا کرده اند و به بزرگداشت این آئین پرداخته اند، نیک از عنصری زوال و جاودانی که در این آئین جا دارد، آگاه هستند و جشن شاهنشاهی، که اکنون میزبان آنهاست، برایشان چنان مفهوم و معنای ژرف دارد، که هر لوجه جشن، از دنیا ی راز با آنها سخن میگوید.

و آنها که با آشنائی به مراتب دانش و فرهنگ اقربائی شاهنشاهی ایران، در علیا حضرت شهبانوی ایران، طر ساهای، صادقاتین احترام آرا، میبارانند، بصورت تصدیق عینوائی شاهنشاهی دانشگاههای خود، به پیشگاه اعلیحضرتین، ابراز داشته اند، آشنایان قدیم و صدیق فرهنگ و تمدن اسرآن شاهنشاهی هستند، و برای هر یک از زمینه های آگاهی و آشنائی خویش، صدق صادقین و در کانون جشن شاهنشاهی، میبایند. و بر همین شوال، نمایندگان پانزده میلیون معلم، سراسر جهان، که شاهنشاهی ایران، بر خیزد میبایند هستند که آنها، در آن با شعل تملیع حرکت میکنند، اکنون، نیکتر و روشنتر، در جاذبه های آندیشه بلند را که در جهان، بزرگ پیشکار بیواسطی را برافراشت، درک میکنند.

دنیای روشنگر و آگاه، دنیایی که آموخته است، بیندیشد و بیامیاد و داورى کند، در پرتو جشن پرشکوه دو هزار و پانصدمین سال آئین شاهنشاهی ایران، که زیارتنه است، و نیز باز خواهد یافت که ایران، سرزمین هزار و یکصد نیست. ایران سرزمین آموختن، آندیشه والاتر و برتر است. در سینه تمدن شاهنشاهی ایران، جشن رازهای آگاهانه، نهفته است که هر یک به پنهانی، شکفتن آنگیز تر از روهها و آفرانه های هزار و یکصد است. اما این رازها، رازهای عظمت انسان است. رازهای بزرگ تمدن و آئین شاهنشاهی است. رازهای است که دنیا، برای ست یافتن به گوهر تمدن، به کشف و درک روزنامه جشن شاهنشاهی



خورشیدی با درون مایه رستگاری و عدالت

«من به حکم مسوئیت پادشاهی و وفاداری به سوگندی که در حفظ حقوق و اخلاص ملت ایران باد کردم تمام نظری بی طرف در مبارزه قوای دنیای با نیروهای اهریمنی باشم، زیرا بزرگ این مبارزه را خود پیوسته میگویم. برای آنکه هیچ قدرتی نتواند در این راه زخمی بزدن در حق من از تو در ملک مستقر سازد و زخمی های کشور را بر تاراج حاضری قلیل بپارد، و وظیفه خود میدانم که نسبت قوای سه گانه مللکسی بر اساس اصل بیست و ششم تمام قوای اساسی که اعلام میدارد «قوای مللکتن ناشی از ملت است» مستقیماً به مردم ایران عرضه کنم و استقرار این اصلاحت را از طریق رایجه به آراء عمومی پیش از انتخاب مجلس ایران که حاکم برجستین و مسانعات قراتار ملی است تقاضا کنم تا بعد از این منافع خصوصی هیچ گروهی قادر به تسو آثار این اصلاحت که آزاد کشند دهقان از زنجیر اسارت زنجیر ارباب و رعیتی و زمین کشندی آندیشه پشتر و آندیشه ستر و مرفهی برای طبقه شریف کارگر و بیهود زندگی کارمندان حقیقی و زحمت کش دولت و رفیق زندگی اسباب و بیعهورای و حافظ قضاوت های ملی است، نیانند....»

مدتن فرمایانند آفرانه های اسباب و هنگام اعلام منصور انقلاب سید ایران»
ی کمان، رفته هستی موجوداتی که در برابر دیدگان انسان، به جلوه برخاسته اند، درون مایه های کانون نور، خویشی، پیوستگی فریاد اینکار دارد. «موم از این رو است که حتی در گرش جاودانی خود، و در هکذاز میبکشد خود، مجوری استوارتی از آن میباید. خویشی، همه نورانی باکی و بیبسات آنگزور، بیخوردگی نخواهد فرآید. و از خویشی جزور، نخواهد تابید. خویشی، در آینه وجود



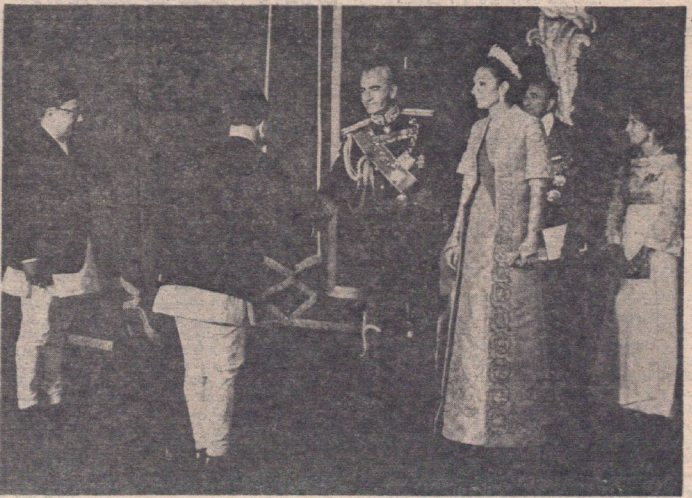
آن شب در ضیافت تاریخ

نظن

علیختر بیایون شاهنامه آریامهر

در ضیافت شام تحت حمایت

«۲۲ مهره ۱۳۵۰»



از طرف شاهان و خورم، و بنام ملت ایران، تقدیم شاهنامه آریامهر
 که می‌ترین شاهنامه کشور ما در این بچگام که گفت ایران و هزاره پانصدمین
 سال بنیادگذاری وحدت ق و شاهنشاهی خورم برین بیکر و شاهنشاهی کیومرث
 و جمیع نونی شخصیت ای بزرگ جهانی را در تحت حمایت، زادگاه و نامتاریخ
 شاهنشاهی کهن، بنام ای بیکر کیومرث، نریزاد حساس می‌ایست که در پیش
 تاریخ گذشته با واقعیت‌های امروز پیوند خورده است، و چنین پیوندی برای اسکا
 تقابله و دوستی بیکر و در شاهنامه است آن است که بنام ای بیکر گفته شود.

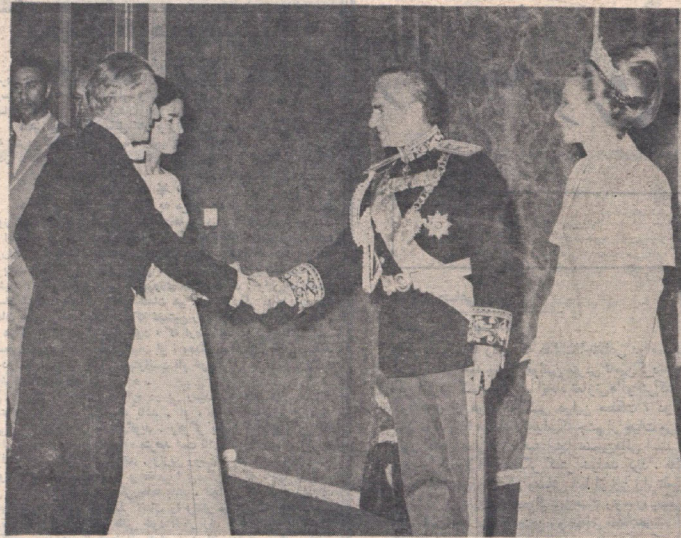
اگر ما شاهنامه کهن را در شاهنامه آریامهر در
 بزرگترین جشن خورم عودت که در این جهت بود که موضوع این عودت
 شاهنامه است آن می‌باید که شاهنامه آریامهر را به خورم برگردانیم و در این

۲۲ مهر ۱۳۵۰

14 OCT. 1971

۲۳ شعبان ۱۳۹۱

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی «گزارش لحظه به لحظه با عکس»



قبل از هر چیز زودگذر داشت و زندگی گمنام است که تمام عالم شکرست تلقین دارد. در وقت شام شایب پیش از آنکه میماند، ما پیش از سیمان بنی بانی بستید که «تاریخ» نام دارد.

ما شایب در چند روزی نامی با عظمتت پیشید بدو هم کرده آمدیم که سونامی خاموش آن شاه زودگذر است و هیچ قرن با بجزرتش با او با آن بوده اند. همه میدانیم که این شاه زودگذر می مرکز نقل جهان بود. لی این خاطر، ای است که امروز دیگر تنها تاریخ نطق دارد. آنچه اکنون برای ما بسیار مهمتر از این جنبه تاریخی و سیاسی است این است که این شاه مرکز حکومتی بود که از نظر فکری بر اساس میراث عمومی کوروش که یعنی بر پایه احترام به فرد و حقوق بشری بنیاد نهاده شده بود، و این همان اصل است که تمام فرهنگهای ایرانی بر آن پایه ریزی شده است.

وقتی که از دیدگاه تاریخ نگاه کنیم، خوب می توانیم احساس کنیم که در طول این چند هزار سال هر یک از شاهنشاهی جهان چه ماجرای مکتوب است و چه کلامی داده اند. ما این همه برای ما همچون فرزندان جامعه است که توجیه و تریبقت ما میسر نمیشود که شکرست در تمام بر ما شاه شاهان و تمام این اعی که طبق اصطلاح معروف است عظیم آن زمین است که هنوز گذشته است. رسالت بزرگ تویش در راه اول کمال مادی و معنوی از یاد برده و در این راه از همه آنهایی که میسر نمیشود میسر است. تو میراث از این شکست آن با برده خوبی که از آثار در دنیا و فرج آوری سرشته شده، از تمام عمل نمیشود که در برابر او صف آرا می کرده بودند و تا تر و قاطع بوده است. این جهان با وجود خوبی است که بر انسان، که در عالمی با انواع بسیار وجود است وی زمین بین خود، امکان آن داده است که امروزه با از زمین و در کنار در راه دیگران کائنات از روی خوشتر است. توجیه بین واقعیت خود را که می توانی است که می توانی و وظیفه همه مردم است که پیش جهان را بر روی زمین کنی، و من تریبدهایم که می توانیم

۲۲ مهر ۱۳۵۰
 14 OCT. 1971
 ۲۳ شعبان ۱۳۹۱

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی «گزارش لحظه به لحظه باعکس»

برای جلب مغزها چه باید کرد؟

«علم و فرهنگ اصولاً نه مرز می‌شناسد نه ملیت. یکی از اشکالات امروز اینست که اغلب مغزها ولو از ممالک دیگر یعنی اوقات مثل آن‌ها بوسیله آهن‌پاره برآمده علی‌وفی دیگر جلب میشوند، برای اینکه وسایل کار و وسایل زندگیان بهتر فراهم شود.

ما هم باید همین وسایل کار و زندگی را در اینجا فراهم کنیم که بهترین مغزها، باین طب، جلب شوند...»

«در دانشگاه چندینبار، خطاب بدان‌شجویان و استادان دانشگاه ۱۹ اسفند ۵۳»

هدف از زندگی، رسیدن به مرحله تکامل و دست یازیدن به روزگاران بهرستی و درک حقیقت‌ها و شناخت رازهای جهانست و انسان، در این میان، منطوبی دیگر به هستی داده است. آنچه او را، در این میان از سایر موجودات و سایر آفریده‌ها متمایز ساخته و باعث آمده تا در مقامی بالاتر، که شایسته انسان و انسانیت است بشیند، حس برتری طلبی و بهروری جونی اوست. و این طبقه طبیعی انسان است، چه اگر بنا بود انسان هم، مانند دیگر موجودات، در همان سطح و در همان حدی، قضیتن روزی بود، تا جاودان ماند و هرگز به احساس طبیعی خود، که ارتقاء حس برتری طلبی است، باطنی نگذید، هیچ مرزی میان او، و دیگر موجودات چشم نمی‌آمد و در مقام همسانی، هرگز نمیتوانست نام خویش را به آذین و شکوه «اشرف مخلوقات» مزین سازد.

انسان، طبعاً، هواره در بی رسیدن به مقام هائی است که او را از بالاتر ازگرفته‌ها باشد. او، هرگز زیبایی را در دست نیفتد تا زشتی‌ها را شایسته گوید. و هرگز باغرا، به بویه و روانه، خالی نمیگذارد. او، هواره مرتضد است تا ازگرفته، بهتر، استوارتر، و بافت و آسودتر زندگی کند. و این روش که در مسیر چترهای خود، هواره جانی را، و مقامی را برمیگزیند که نهایتاً این‌ها، به مرتفع‌تر و استوارتر از دیگر جاها باشد. تنها در این میان رشتنای اهروری، و رشتنای استوارتر انسان را وادار میسازد که هر برحس برتری‌جویی، و در راحت طلبی خود افسار زند و خویش را، به امکاناتی محدودتر از آنچه شایسته اوست، راضی دارد. و این رشتنای اهروری، و رشتنای است که از محبت به بر زمین خود، و بوی خوش برگزین دارد.

ایرانی روشنگر، ایرانی دانشمند، ایرانی دانش‌پژوه که در علم و دانش و پیش به مرز برتر از دیگران رسید، در اوج مقام خود، جانی را ببیند و آسودگی بخشند از ایران زمین نمیپاید. تا در آن به پراکندن بند دانش و تلاش خود برخیزد و از پر تو دانشی که آلودخته، جوانان جنگجو، و مردان و زنان را که جانان از شدت خوشتن سرشار است، و رهشون خود. و هانگه‌گونی که شهیار خرمند ایران در رخشان خود، که در بالا اشاره‌ای کوتاه به آن‌ها، یادآوری فرموده‌ام، ایران امروز، آماده‌است و باید تا پیش‌ازین وسایل رفاه و آسودگی دانشمندان ایرانی را فراهم‌آورد. و این همداری خرمندان است که با آن‌ها که در راس امور، از رهبری شاهنشاه آریابهر، یاری می‌جویند. ایرانی، و ایرانی دانشمندی که از سفر بی‌بازنای دوستی، و از سفر گلدان‌گشایی روشن دانش و علم، جان خود را به آگاهی‌های نور، آراسته و گویبار اندیشه خود را دانش‌ها و آگاهی‌های گونه‌گون، برآمده‌آورد انباشت، و به‌ایران‌مین، و دامن پر مهر مادر املی خود بازگشته، و باید در این بر زمین‌ان احساس آرامش و آسایش گندگه‌گونی به‌بیشت بوعود درآمده است. و این، رهنمونی همرسانی است.

رسمون مابدوران تمدن بزرگ

۱۶ - عدالت اجتماعی

دورسراسر جهان برسانند...
از سخنان شاهنشاه آریابهر در دانشگاه هاروارد
۲۳ خرداد ۱۳۴۷

عدالت و آزادی باید دارای

اصل و حدود باشد
«... عدالت بدین معنی است که همه‌کس در شرایط مساوی پس بریند و آزادی بدین معنی که هر کس در حدود قوانین در زندگی آزاد باشد. اما هرگاه این دو بدون هیچگونه قیدوبندی برقرار باشد ممکن است این فکر پیش آید که آزادی در این است که هر کس میل دارد به آزاد دیگری بپردازد.»

همه قوانینی که ما در کشور خود وضع کرده‌ایم بدین منظور است که در عین حال هم واجد اصول عدالت شایسته یک اجتماع پیشرفته باشد و هم آزادی‌های انسانی و بسیار محترم فردی را دربر بگیرد.»

از سخنان شاهنشاه خطاب به دانشجویان
۵ شنبه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۴۸

بیشترت ما درجهت

صحیح جریان دارد

«... درحالیکه بسیاری کشورهای دیگر دچار مشکلات هستند کشور ما جزیره‌ای از آرامش و ثبات و ترقی باقی‌مانده و بیشترت ما درجهت صحیح جریان دارد.»

«... بیشترت ما جنبه منحصراً مادی ندارد که ما گوئیم مثلاً چند کارخانه و سد ساخته‌ایم جامعه‌ما درجهت عالی‌ترین هدفهای انسانی یعنی عدالت اجتماعی در حرکت است و همین است که برای ایران اعتبار بین‌المللی را که امروزه از آن برخوردار است، فراهم ساخته‌است.»

از مصاحبه با خبرنگار کیهان - ۴ آبان ۴۸

عدالت اجتماعی تأمین

کننده زندگی بهتر است

«... اساساً وقتی که عدالت اجتماعی در مملکت برقرار شد زندگی همه بوسیله قوانین مترقی تأمین گردید و مخصوصاً اگر فکری که ما برای ایجاد تعاونی‌ها و شرکت‌های پیمه گوناگون از موفقیته کسی در این مملکت، در این آب و خاک تولد پیدا میکند تا موفقیته چشم از حیات می‌بندد داریم بطور کامل عملی شود همه اینها تضمین‌هایی است که شکایت مردم را اصولاً از همدیگر کمتر خواهد کرد. مطمئن هستم که هر چند شاید زندگی و معاش شما از این راه تأمین‌نشود، همه‌آ آن روحیه‌ای که حرکت شما هست روح رسیدگی بنگذیمت مردم است و ما داشتن چنین روحیه‌ای قطعاً خوشحالت‌تر میشود که تقاضای مردم اصولاً کمتر باشد، و لولاینکه کمتر کار کردن طبقه شما منجر بشود...»

در شرفیای هیئت مدیره کانون و کلابی دادگستری
۴ آذر ۱۳۴۶

بیانید لژیونی بوجود آوریم که هدفش

بیکار با بیدارتنی‌های اجتماعی باشد

«... از دوران امپراتوری‌م تا همین عصر ما لژیونهای بسیاری بطول پیروزی نظامی پدید آمده‌اند بیاینکه بیکار لژیونی بین‌المللی بوجود آوریم که هدفش پیروزی و بیکار با دشمنان واقعی بشریتی با تقریباً چهل و گرسنگی و بی‌بیدارتنی‌های اجتماعی باشد. بگذارید تاریخ آینده گواهی دهد که لژیونی معنوی خدمتگاران بشر از قدرت هر سپاه و نیروی تخریبی هر اسلحه‌ای قویتر و پایدارتر است. بگذارید در دنیای ما آنهائی که میخواهند خود را وقف خدمت به بشریت کنند، به دور هر گرد آیند و صدای معنوی‌تر را بگوش صدها میلیون از برادران و خواهران ای‌پناه و نا امید خود



دادند، و در آنجا وظیفه بزرگ ملی‌کام‌خواهندگوشید.»
اولین دوره کلابی تربیت میز مالپایی با شرکت ۱۴۰ نفر تشکیل‌دهند.
بهر روزی از کارخانه تهیه خوراک دام بطور در سیدآباد شروع گردید. در این کارخانه‌ها هم مدرن‌کردن در ۲۰ هزار متر زمین تأسیس شده روزانه ۱۰ تن خوراک دام و طیور تهیه میشود.

- عملیات ساختمانی احداث تأسیسات آب‌ولوله‌کشی در ده‌هول‌بزرگان شروع گردید.
- خانه اصناف «سنگ‌کنده» درمازندران گشایش یافت.
- مهنارای بزرگ‌خوی که در زمینی بساحت ۲ هزار متر مربع ساخته شده گشوده‌شد.

● عملیات چهرانو فرجه‌های مدرسه و لولآباد را در کرج افتتاح کردند. تمام کارهای این مدرسه زیر نظر دختران سپاهی انجام‌میشود.

- در حضور رئیس جمهوری‌مندوستان و رئیس‌مندی‌مردم‌میرعامل شرکت ملی نفت ایران بهره‌برداری اصلی از لولآباد نفت مدرس‌رما آغاز شد. این لولآباد با شرکت و سرمایه شرکت ملی نفت ایران - دولت هندوکش شرکت امریکائی ساخته شده‌است.
- دنوانا تهریزو ساختمانی ایران وارد بندرعباس شدند و در اسکله‌های این بندر پهلو گرفتند.

● شاهنشاه آریابهر در اولین جشن فارغ‌التحصیلی بیست‌ودومین دوره دانشکده فرماندهی و ستاد فرمودند: «قوی خود را مجبور نخواهید کرد، اگر لازم باشد برای حفظ سرزمین خودمان نیز به تحصیل بیشتر از لحاظ مالی بدین امر کار را آغاز کرد و معاهدات اقتصادی را از دیگران - از این بهترین بهترین دیگران - باینتر و کمتر نخواهید. از رویی‌ما است که باید عوض‌نمی‌بشود - خرید حتی یک هواپیما و یک ناو می‌توانستیم یک مهنارسان بزرگ‌مندی‌مدرسه بیشتر و وسایل و کلاب رفاه «شکافه‌ای» بدین‌صورت»

● عملیات ساختمانی اجرای پروژه احداث ایستگاه‌های تقویت نیروی برق کارخانه نول‌آباد شروع‌شد.

● پروانه احداث دو کارخانه روزن‌کشی در گیلان صادر گردید، کارخانه‌ها در رودبار و میهنار احداث‌میشوند.

● استانداری آذربایجان غربی اخطاریه برای قسمتی از زمین‌های عمرانی دولتی از استان تقویه‌کرد.

● اطراف و زواری‌مردم‌میرعامل شربت زمستانی تشکیل‌دهند. این مردم‌میرعامل بازگردن جاده‌ها و راه‌های کشور در زمستان مخصوصاً در استان‌های آذربایجان - مازندران و فرمانداری کل همدان متحرک‌میشوند.

روزنامه‌های جشن شاهنشاهی

- ۲۶ - شهریور
- ساختمان مهمانسرای جلبا سیاحتان طیس به‌پایان رسید و آماده بهره‌برداری شد.
- ۲۷ - شهریور
- ساختمان راه‌های فرعی دو روستای اطراف خوی پایان یافت.
- قرارداد لوله‌کشی آب آشامیدنی ۷ روستای اطراف مهاباد، پیرانشهر و سردشت بسته شد.
- ساختمان جاده و پل یک دو روستای «بارنج» تبریز شروع شد.
- ۲۸ - شهریور
- برای افزایش ظرفیت تصفیه‌خانه آب آشامیدنی گرمشهر، فرزادی با یک شرکت مقابله‌کارفراسوی بامشاء وسید. ارسن قرارداد شامل گسترش حوضچه های تصفیه‌کننده - تصفیه‌خانه آزمایشگاه و ایجاد خط دوم لوله تصفیه‌خانه میباشند.
- عملیات ساختمانی راه ترانزیت بین ایران و ترکیه با پایان یافت این راه که از یک کیلومتر ۴۶ تیرود شروع شده تا مرز بزرگان این کیلومتر است.
- ۲۹ - شهریور
- با پیام شاهنشاه آریابهر، و انجمن ملی حفظ و حمایت منابع طبیعی افتتاح شد.
- عملیات پیاده‌وسازی و گزکالی بولوار الزبایت تهران شروع گردید.
- کارخانه برق جدیدالاحداث و در مانگامه‌قره «توزن» در اردستان افتتاح شد.
- ۳۱ - شهریور
- ارتباط میان کارد جنگل و وزارت منابع طبیعی بین تهران و نوشهر برقرار گردید.
- ۱ مهر ۱۳۴۸
- شاهنشاه آریابهر بنیادین‌آغاز سال تحصیلی در پیام خود فرمودند: «امپتیمان داریم، مطمئن‌گوشه بکارت روح خدمتگاری جامعه و وطن‌دوستی و ایمان استوار خود را به اصول انقلاب ایران‌نشان



صفحه نازدی را در تاریخ بخشد. بسیار بهر آن و نگارنده و یکسان است
 و یک بعد از او این است، ای نقد که بر سر حال ستر جا معده شری سبوی کمال
 آن است. آرزو کنیم که با بختی و بختی میباید آید نشان جان،
 بار دیگر در عصر تاریخ و تاریخ و در عصر نازدی ای شود که در آن کبر
 اثری از آن نگارنده، از قریه پهل و یاری و کنگی، از تبخیز با و ایدیا
 نباشد. آرزو کنیم که در زمان ما برای همیشه در جانی تاریخ از بیم و
 بمرید و در دیه گاه زندگی خویش چیزی جز روشانی و امید داشته باشد.
 برای یکایک شما اعلی حضرتان، رؤسای محترم جمهوری، و اراکین
 عالیجنابان، خانانها و آقایان، که در میان همگی بخت آمیزه با بخت
 ایران و با اقتدار و شرف است که آن در این جمع تاریخی حضور یافته اند،
 و برای همه رهبران و مسئولان دیگر جهان، در این آرزوی موفقیت
 میکنم.

بختی نازدی شریعت سیر و کرم سبوی کمال است. و بر یک نازدی ای که
 در سینه صبح بخار این سلامت قدم بود و در عین مبارک گوشت ما در حدود است
 و شرایط خود را با برای جامع شری بصورت یک دنیای بخت و صلح
 و دوستی در آوریم، و دنیای که در آن بر فرد آدی تو آید و در حیطی این فرای
 آفرین و گمانی از خدا که در عجب دانش و تدبیر خود را شود.
 مستقی این یکسان نباشان عالیقدر خود، نکته نازدی ای نقد هم که
 بگویم که جامعه امروز بشری قبل از هر چیز از مسولان دارد و امور جهان از
 تمام آنها یکدستی در او در سر وقت تمام دارند، و توبه همین کیفیت را
 انتظار دارد. همه مردم جهان از بر سر او و بر سر او و بر سر او و بر سر او
 خواهد شد که در دنیای دوازده خنده و خطرناک دور از خطر و آبی
 مایه و نوع شهر سر بر نهاده و همه در دوازده که حاصل کار آنها در دنیای
 و نخواستن ایشان شمار را در نازدی ای که توبه با بر سر هر یکی از آنها یکدستی
 در دوزخ و با تصدع پیش و یکی از فرزندان این سر زمین، که در شرف است
 که جهان ندارد که در تعلق بر وقت ما است تعلق به تاریخ و در عالم شریعت
 گوشتی تا با بخت و تعلق اساسی در اصول حکومتی میخانه نشان است و در
 میا که در ای شری و حکومتی آرد ای بر اساس ستر مردم حقوق و مفاد است و در

جمع مردم یکسان است، زیرا این کا فایده شری و دینی است که در شری
 کشوری نیست و آغاز دنی شری شری در آفرین مادی و دنیای وقت خود داشته
 باشد.
 قضا میاید بدایت که سید این آرد و با بصورتی هم آید یکدستی که در شری
 همه که تعلق یابد، تا قیام نمانی و در تمام آیین سعادت شری از مردم جهان که
 تا این سعادت تمام فرزندان آدی باشد.
 دینی است که این آرد و نوزده شکلات سیاسی در دوازده که خانها شری
 طرز فکر و ارادات گذشته است، ولی امیدوار باشیم که جامعه انسانی بخت
 در تمام آردیشی که در سینه سیر و سیر و آرد، این آردیش نمانی را که بر کبر
 و در عین حال شری ترین همه آنها است نیز با سیر دینی در شرف سیر خواهد شد.
 همه ما میاید که سید که سید شری ما در شرف سیر بسیار است که در میان
 میاید که در شرف سیر یکی از مردم جهان همچنان از قریه پهل و کنگی و در شرف
 گوناگون تاریخ سیرند، و در روزی که در گذشته و در جهان صدی کلود با در شرف
 و با خط شرف شریست که سید توبی در بر دینی شویم، با این سید این سیر
 سید ای که اگر جامع شری تا گوناگون توفیق در آید، این بر دینی این سید ای
 دفع این بیخاست نشود، و هیچ چیز با دین شری شویم، در این راستا بی

آنگاه شاهنشاه آریانه هر بنظر تاریخ خود چنین
 پایان دادند... و با این آرزو سلامت و شادمانی کنایه
 شما، و رفاه و ترقی روزافزون همه ملت های شما را
 خواهیم...
 پس از پایان بیانات شاهنشاه آریانه هر اعلی حضرت
 هایل نالی امیر اعظم آلبومی از جانب شاهنشاه، روسا
 و نمایندگان کشورهای شرکت کننده در جشن
 دوهزار و ناصدین سال بنیانگذاری شاهنشاه ایران، در
 پاسخ به بیانات شاهنشاه آریانه هر، نطق اعلی حضرت و اعلی
 اعلی حضرت هایل نالی امیر اعظم آلبومی در مقام پاسخ دادند.